

میزگرد

حسابداری و حسابرسی واحدهای کوچک و متوسط

واحدهای کوچک و متوسط برای سلامت و پایداری اقتصاد جهانی اهمیتی حیاتی دارند؛ این واحدها ۹۵ درصد کل کسب و کارها و بیشتر تولید ناخالص داخلی بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند، مولد ثروت و اشتغالند و آثار اجتماعی و محیطی درخور توجهی دارند.

استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی واحدهای کوچک و متوسط نیازی به صورتهای مالی بر مبنای چارچوب گزارشگری با مقاصد عمومی ندارند؛ اما، به جای آن بیشتر بر ارزیابی گردش وجه کوتاه مدت، نقدینگی و توانایی پرداخت توجه دارند. افزون بر این، استانداردهای حسابداری مبتنی بر چارچوب گزارشگری با مقاصد عمومی در دسرهای فراوانی برای شرکتهای کوچک و متوسط دارد که با وسعت گرفتن دامنه این استانداردها، بیشتر نیز شده است.

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) با درک نیاز گزارشگری واحدهای کوچک و متوسط، مجموعه **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط (IFRS for SMEs)** را در ۲۳۰ صفحه بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کامل (حدود ۳۰۰۰ صفحه)، در سال ۲۰۰۹ و اصلاحیه آنها را در سال ۲۰۱۵ منتشر کرد.

در آمریکا، چارچوب گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط به وسیله **انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)** به عنوان چارچوب گزارشگری با مقاصد خاص برای واحدهای کوچک و متوسط تهیه شده است. به عقیده انجمن یادشده، این چارچوب برای تهیه صورتهای مالی با مقاصد عمومی، در شرایطی مناسب است که استفاده از **اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP)** الزامی نباشد. این چارچوب در سال ۲۰۱۳ منتشر شده و استفاده از آن اختیاری است و تاریخ مؤثری برای بهره‌برداری از آن تعیین نشده است.

بحث در مورد استانداردهای حسابرسی واحدهای کوچک و متوسط متفاوت است. منافع همگانی ایجاب می‌کند تا استفاده‌کنندگان صورتهای مالی مطمئن باشند که حسابرسی بنگاه‌ها، کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده، با استفاده از استانداردهای باکیفیت بالا و یکسان انجام شده است. فدراسیون بین‌المللی حسابداران، دو مسئله اصلی در ارتباط با کاربردپذیری و مربوط بودن استانداردهای بین‌المللی حسابرسی برای حسابرسی بنگاه‌های کوچک و متوسط را شناسایی کرده است: مسئله اول، اهمیت برخورداری از خدمات حسابرسی صورتهای مالی همراه با اعتباردهی در یک سطح یکنواخت بدون توجه به اندازه بنگاه مورد حسابرسی یا اندازه مؤسسه انجام‌دهنده حسابرسی است و دومین مسئله به نیازهای اعتباردهی بنگاه‌های کوچک و متوسط، بر مبنای فزونی منافع بر مخارج، مربوط می‌شود و این که آیا خدمات حسابرسی مورد نیاز است یا خدمات اعتباردهی غیر از حسابرسی؛ یا اصلاً نیاز به هیچگونه خدمات اعتباردهی نیست.

استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (ISAs) که به وسیله **هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی (IAASB)** منتشر شده‌اند، برای حسابرسیهای بنگاه‌ها در هر اندازه‌ای طراحی شده‌اند و طراحی آنها این اجازه را می‌دهد تا به گونه‌ای متناسب با اندازه و پیچیدگی بنگاه به کار گرفته شوند.

در ایران، تنها یک مجموعه استانداردهای حسابداری برای استفاده شرکتها، کوچک یا بزرگ، منتشر شده است. به همین ترتیب، تنها مجموعه‌ای از استانداردهای حسابرسی برای حسابرسی شرکتها، در هر اندازه‌ای و برای همه مؤسسه‌های حسابرسی، فارغ از بزرگی یا کوچکی آنها، وجود دارد. حرفه حسابداری ایران نیز، با توجه به اهمیت و جایگاه مهم واحدهای کوچک و متوسط در اقتصاد کشور، توجه خاصی به ارتقای گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط دارد و برای بهبود آن تلاش می‌کند. با این حال، تاکنون رویکرد خاصی برای فزونی منافع بر مخارج گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط مطرح نشده است. حرفه حسابداری ایران برای موضعگیری در این زمینه با پرسشهای متعددی روبه‌روست:

• چگونه می‌توان ذینفعان واحدهای کوچک و متوسط را به استفاده از اطلاعات مالی تشویق کرد و چه راههایی برای ارتقای گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط وجود دارد؟

• آیا تدوین و انتشار استانداردهای حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط نیز در ایران ضرورت دارد؟

- استانداردهای حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟
- چه واحدهایی باید از استانداردهای کامل و چه واحدهایی باید از استانداردهای خاص واحدهای کوچک و متوسط استفاده کنند؟
- چه مرجعی باید زمینه را برای استفاده از استانداردهای حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط فراهم کند؟
- آیا در ایران نیز استانداردهای حسابرسی برای همه واحدها، کوچک یا بزرگ، و همه مؤسسه‌های حسابرسی، در اندازه‌های مختلف، باید یکسان باشد؟
- «حسابداری و حسابرسی واحدهای کوچک و متوسط» موضوع بحث میزگرد این شماره مجله حسابرسی بوده است. در این میزگرد، پرسشهای زیر مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.
- ۱- حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط، چه تفاوت‌هایی با گزارشگری مالی شرکتهای بزرگ دارد؟
- ۲- چگونه می‌توان ذینفعان واحدهای کوچک و متوسط را به استفاده از اطلاعات مالی تشویق کرد و چه راه‌هایی برای ارتقای گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط وجود دارد؟
- ۳- استانداردهای حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟
- ۴- چه مرجعی باید زمینه را برای استفاده از استانداردهای حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط فراهم کند؟
- ۵- چه ضرورتی وجود دارد که برای واحدهای کوچک و متوسط، استانداردهای گزارشگری مالی جداگانه تدوین شود؟
- ۶- واحدهای کوچک و متوسط چه نیازی به خدمات حسابرسی و اطمینان‌بخشی دارند و این نوع خدمات چه کمکی به این واحدها می‌رساند؟
- ۷- آیا استانداردهای حسابرسی برای همه واحدها، کوچک یا بزرگ، و همه مؤسسه‌های حسابرسی در اندازه‌های مختلف، باید یکسان باشد؟ در ایران چگونه است و چگونه باید باشد؟
- ۸- از دیدگاه حسابرسی، واحدهای کوچک و متوسط چه تأثیری بر کارکرد و دامنه رسیدگیها و حق الزحمه حسابرسی و مدل ریسک دارند؟
- ۹- آیا به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط در ایران را پیشنهاد می‌کنید؟ استقرار و به‌کارگیری چنین استانداردهایی چه نیازمندی‌هایی دارد؟

شرکت‌کنندگان در این میزگرد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:

سعید جمشیدی فرد
نایب رئیس شورای عالی
جامعه حسابداران رسمی ایران



کیوان اسکندری
مدیر ارشد حسابرسی مؤسسه حسابرسی مفیدراهبر



محمدجواد صفار
حسابدار رسمی



دکتر نظام‌الدین رحیمیان
عضو هیئت علمی دانشگاه خاتم



دکتر رضا نظری
عضو شورای مدیریت مجله حسابرسی



✓ دکتر نظری

ضمن خیر مقدم، از اینکه دعوت مجله حسابرس را برای حضور در میزگرد پذیرفته‌اید، سپاسگزاری می‌کنم. بنگاههای کوچک و متوسط چنان اهمیتی در اقتصاد کشور دارند که در سطح بین‌المللی برای گزارشگری مالی این بنگاهها، استانداردهای گزارشگری مالی جداگانه تدوین شده است. بحث را با این پرسش آغاز می‌کنیم که بنگاههای کوچک و متوسط چه تفاوت‌هایی با بنگاههای بزرگ دارند و آیا گزارشگری مالی آنها باید متفاوت باشد؟

✓ دکتر رحیمیان

اولین موضوعی که فکر می‌کنم باید در مورد آن باید صحبت کنیم، تعریف واحدهای کوچک و متوسط است. برای تعریف این واحدها معیارهای مختلفی وجود دارد. برخی کشورها، معیارهای کمی، برخی کشورهای دیگر، معیارهای کیفی را و عده‌ای معیارهای ترکیبی را در نظر گرفته‌اند.

طبق تعریف ارائه‌شده از سوی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط، واحدهای کوچک و متوسط، آن گروه از واحدهای تجاری هستند که مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورتهای مالی با مقاصد عمومی را برای استفاده‌کنندگان برون سازمانی منتشر می‌کنند. مهمترین مشخصه‌های شرکتهای کوچک و متوسط، این

دکتر رحیمیان:

حسابداران باید

به جای دفترنویسی

به مدیران

در تجزیه و تحلیل

اطلاعات مالی

کمک کنند



است که مسئولیت پاسخگویی عمومی نداشته و ذینفعان زیادی ندارند. این واحدها، طیف بسیار گسترده‌ای از واحدهای اقتصادی را دربر می‌گیرند و تعداد آنها آنقدر زیاد است که گفته می‌شود بیش از ۸۵ درصد اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهند. ابتدا فکر می‌کردم که این پدیده، خاص کشورهای آسیایی افریقایی است ولی واحدهای کوچک و متوسط در همه اقتصادها، از جمله قاره‌های آمریکا و اروپا نیز از اهمیت زیادی برخوردارند.

اما این که گزارشگری اینها با گزارشگری عادی باید متفاوت باشد یا نباشد، از هر دو جنبه قابل بحث است. چون ذینفعان این واحدها نیازهای اطلاعاتی خاص خود را دارند؛ در نتیجه، نیاز به استانداردهای جداگانه‌ای دارند. از طرفی، چارچوب‌های مفهومی استانداردهای حسابداری واحدهای بزرگ و واحدهای کوچک و متوسط، با هم یکسان هستند و به همین علت در بسیاری از موارد، باهم تشابه دارند.

✓ دکتر نظری

بنگاههای کوچک و متوسط، از نظر ساختار مالکیتی و سازمانی و راهبردی چه تفاوت‌هایی با شرکتهای بزرگ دارند؟

✓ دکتر رحیمیان

در دنیای امروز، دامنه مسئولیت شرکتهای بزرگ بسیار گسترده است. شرکتهای بزرگ مسئولیت گزارشگری اجتماعی دارند و باید به عده زیادی پاسخگو باشند. شرکتهای کوچک و متوسط ساختار مالکیتی ساده دارند، کنترل داخلی ساده دارند، و مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند.

✓ دکتر نظری

آیا برای تعریف بنگاههای کوچک و متوسط در ایران، لازم است معیاری تعریف شود؟

✓ دکتر رحیمیان

در ایران تحقیقی در این مورد انجام نشده است. اعتقاد دارم که شرکتهای کوچک و متوسط در اقتصاد ما بسیار بااهمیتند و باید تحقیق و مطالعه کنیم و ببینیم ویژگی‌های آنها چیست و نیازهای آنها کدام است؟ چه استانداردی نیاز دارند و گزارشگری مالی آنها باید چگونه باشد؟

سازمان‌ها و نهادهای حرفه‌ای کشورهای مختلف، تعریفهای زیادی را از واحدهای کوچک و متوسط ارائه کرده‌اند و برای

مثل انگلستان که از معیارهای ترکیبی استفاده می‌کند، بهره گرفت.

✓ جمشیدی فرد

استانداردگذاری، شاخص‌سازی و معیار تعیین کردن، در اصل از بزرگترها شروع شده است. به گذشته که برمی‌گردیم، می‌بینیم که نقش دولت در اقتصاد برجسته‌تر و حضورش در پروژه‌های بزرگ که نیاز به سرمایه‌گذاریهای کلان داشته، چشمگیرتر بوده و به‌منظور برنامه‌ریزی و سپس مشارکت با دولتهای دیگر و بعدها با بخش خصوصی، ضرورت پیدا کرد که استانداردها، شاخص‌ها، معیارها نیز تعیین شود. این است که در اساس استانداردها از بخش بزرگ شروع شد و بعد که دولت کم‌کم خود را از اقتصاد بیرون کشید، تعدد شرکتها و از جمله شرکتهای کوچک و متوسط، بیشتر شد و هویت آنها به رسمیت شناخته شد و لزوم تدوین استاندارد برای شرکتهای کوچک و متوسط مطرح گشت.

در ایران، مقیاس‌هایی برای تعیین اندازه کوچک داریم؛ برای مثال در سازمان صنایع کوچک، وزارت کار و حتی در حرفه حسابداری. اما نکته مهم، نبود شفافیت در اقتصاد است. براساس روند گذشته می‌بینیم که بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط، تن به اطلاع‌دهی و گزارش‌دهی نداده‌اند. به اعتقاد من، بخش در خور توجهی از شرکت‌های کوچک و متوسط در ایران در ارائه اطلاعات خود خیلی شفاف و عیان نیستند. باید به این سمت برویم که این شرکتها را بشناسیم که چه حجمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند. در همین حد عمومی که حتی تحقیق دقیق انجام نشده، حجم فعالیت‌هایشان در خور توجه است. افزون بر این، بنگاه‌های بزرگ ایران هم در مقایسه با کشورهای پیشرفته، خیلی بزرگ نیستند و براساس واقعیت‌های اقتصادی کشور به نظر می‌آید که بیشتر شرکتها کوچک هستند و لازم است ابتدا در شناسایی هویت کوچک و متوسط‌ها همت کنیم و سپس استانداردهای آنها را تعیین کنیم.

در مورد معیارهای تعیین شرکت‌های کوچک و متوسط، در چند مورد به‌طور تقریبی همه توافق دارند؛ معیارهای کمی و معیارهای کیفی. معیارهای کمی، برای مثال تعداد کارکنان و مبلغ فروش، دارایی‌ها و سرمایه است و دیگری معیار کیفی.

طبقه‌بندی و جداسازی این واحدها، معیارهای متفاوتی وجود دارد. در بسیاری از کشورهای جهان از جمله انگلستان، معیار گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط، اندازه شرکت‌هاست و از معیارهای کمی برای طبقه‌بندی شرکت‌های کوچک و متوسط استفاده می‌شود. معیارهای کمی شامل تعداد کارکنان، مبلغ فروش، سرمایه، جمع کل دارایی‌ها و حجم و گردش معامله‌ها است.

کشورهایی مانند استرالیا و کانادا، جزو کشورهایی هستند که از معیارهای کیفی برای تعریف واحدهای کوچک و متوسط برای گزارشگری مالی استفاده می‌کنند. از جمله این معیارها می‌توان به درجه یا میزان تمایز مدیریت و مالکیت، قابلیت پاسخگویی عمومی و پذیرش شده یا نشده در بورس اشاره کرد. برخی نیز اعتقاد دارند که معیار کمی یا کیفی، معیار جامع و کاملی نیست و از روشهای ترکیبی بهره می‌برند. برای نمونه، در کشورهای زلاندنو و فیلیپین، قابلیت پاسخگویی عمومی به عنوان معیار تشخیص واحدهای کوچک و متوسط به کار می‌رود و در عین حال، با توجه به اندازه شرکتها، برخی واحدهای یادشده را از گزارشگری و رعایت کامل استانداردها معاف می‌کنند.

✓ اسکندری

مهمترین وجه تمایز، ویژگی پاسخگویی شرکتها است. همچنین یک شاخص بسیار اساسی، وضعیت کنترل‌های داخلی حاکم بر شرکتهاست که مرزهای شرکت‌های کوچک و بزرگ را مشخص می‌کند؛ همچنین تعداد کارکنان، حجم و میزان دارایی‌ها و فروش. در واقع باید به این نکته توجه کرد که استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی چه کسانی هستند و شرکت چگونه باید وظیفه پاسخگویی را انجام بدهد.

گزارشگری مالی در شرکت‌های بزرگ و کوچک مطابق استانداردهای وضع شده انجام می‌پذیرد؛ اما با توجه به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی شرکت‌های کوچک و متوسط، می‌توان گزارشگری این بخش را در سطح محدودتری انجام داد.

برای تعریف شرکت‌های کوچک هم معیارهای کمی و هم معیارهای کیفی باید وجود داشته باشد. فکر می‌کنم با توجه به شرایط، باید از معیارهای کمی و کیفی به‌صورت ترکیبی استفاده کرد و در این رهگذر می‌توان از تجربه کشورهای دیگر

همانطور که اشاره شد یکی پاسخگویی و دیگری ارائه صورت‌های مالی برای مقاصد عمومی است. افزون بر این، ویژگی کیفی و خاص دیگر شرکتهای کوچک و متوسط، مدیرمالکی است. بر این اساس، گزارشگری مالی شرکتهای کوچک و متوسط می‌تواند متفاوت باشد.

وقتی که این نصاب‌ها و معیارها را تعریف کردیم، باید ببینیم که چه قسمتهایی از استانداردهای حسابداری که برای شرکتهای بزرگ تعریف شده است، برای شرکتهای کوچک کاربرد ندارد. یک ویژگی مهم دیگر شرکتهای کوچک و متوسط، درصد بالایی شکست‌شان است که ممکن است بزرگ نشوند یا به ورشکستگی برسند. در آمریکا، ۵۰ درصد شرکتهای کوچک و متوسط در سال اول ورشکست می‌شوند و از بین می‌روند و ۹۰ درصد آنها در ۵ سال اول از بین می‌روند. پس می‌توانیم بگوییم که حدود ۱۰ درصدشان از سال ۶ به بعد قاعدتاً ماندگار خواهند بود و این استانداردها را باید به صورت اختصاصی برای اینها پیش‌بینی کنیم. نکته دیگر این که ساختار سازمانی‌شان به طور معمول ساده است، دیوان‌سالاری کم و انعطاف زیادی دارند، از بُعد فرایند مدیریتی هم به طور عمومی تحت کنترل و نظارت مستقیم هستند، با ویژگی مدیرمالکی هم متحمل هزینه نمایندگی نمی‌شوند؛ اگر به این ویژگیها از دیدگاه حسابداری توجه کنیم، در می‌یابیم که در شرکتهای کوچک و متوسط باید گزارشگری مالی کمی ساده‌تر باشد. ذینفعان متعدد نیستند، پس آنچه که در استانداردها می‌بینیم که به طور عمومی برای تمامی شرکتهای است، وقتی مدیر و مالک جدا نباشند، تئوری نمایندگی و آثارش در استانداردها برای شرکتهای کوچک و متوسط کم‌اهمیت‌تر می‌شود، در نتیجه هزینه تهیه اطلاعات در مقیاس بزرگ در قبال منافع آن، در مورد شرکتهای کوچک و متوسط، صرفه نخواهد داشت.

✓ دکتر نظری

پاسخگویی عمومی به چه معنایی است؟ آیا تنها شرکتهایی که در بورس هستند پاسخگویی عمومی دارند؟ آیا موظف کردن شرکتهای هر سال اظهارنامه مالیاتی به دولت ارائه دهند، پاسخگویی عمومی نیست؟

✓ صفار

من می‌خواهم ابتدا اشاره کنم به این که اهمیت بحث در کجاست

که کشورهای مختلف شرکت‌هایشان را به سه یا گاهی چهار گروه یعنی حتی از کوچک هم کوچکتر تقسیم کرده‌اند؛ مانند هند، سومالی، استرالیا و اتحادیه اروپا. اصلاً چرا این کار را می‌کنند؟ برای این که، برای مثال در مقررات پولشویی، شرکتی که ۲ کارمند دارد، نباید مشمول این مقررات باشد.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد که هم در قوانین و هم به تبع آن در استانداردها، تکالیفی برای اشخاص و شرکت‌ها مشخص شده که در بعضی موارد با توجه به اندازه آنها، اصلاً قابل اجرا نیست؛ حالا ما به گونه‌ای از کنارش رد می‌شویم، بماند. بنابراین، لازم است که چنین تفکیکی انجام شود. در مورد قوانین و در مورد استانداردهای حسابداری، لازم است که این تفکیک انجام شود که شرکت‌ها تکلیف خودشان را بدانند. مهم این است که ببینیم تفکیک شرکت‌ها به چند گروه ضرورت دارد.

در بحث پاسخگویی که اشاره کردید، به نظر من پاسخگویی درجه دارد؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم که شرکت‌های کوچک و متوسط پاسخگو نیستند؛ فقط میزان پاسخگویی متفاوت است. همانطور که اشاره کردید، مالیات یک پاسخگویی است، اظهارنامه یک پاسخگویی است و این مسئولیت در شرکت‌های کوچک هم وجود دارد. یک نجاری کوچک هم باید مقررات، ملاحظه‌ها و الزامهای محیط‌زیست را رعایت کند. بنابراین مسئولیت پاسخگویی در تمام شرکت‌ها وجود دارد فقط با درجه‌های متفاوت.

✓ دکتر نظری

آیا همین که شما یک بنگاه را از طریق قانون یا از طریق استانداردها، ملزم به تهیه گزارش مالی می‌کنید، به شکلی برای آن بنگاه مسئولیت پاسخگویی قائل نشده‌اید؟

✓ صفار

به طور قطع همین‌طور است؛ فقط استانداردها متفاوت است. برای مثال، شرکت بورسی باید صورتهای مالی خود را حتماً در رسانه‌های عمومی، اطلاع‌رسانی کند؛ ولی در مورد شرکت‌های دیگر این چنین الزامی وجود ندارد. قانون داریم که بعضی از شرکت‌ها الزامی به حسابرسی ندارند؛ یعنی شرکت‌های کوچکتر، که در اصلاحات بند "ز" اشاره شده است.

اظهارنامه مالیاتی یک مسئولیت همگانی است. همه جا به پاسخگویی نیاز است ولی برای همه یکسان نیست و ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد.

جمشیدی فرد:

به اعتقاد من

بخش در خور توجهی از

شرکتهای کوچک و متوسط

در ایران

در ارائه اطلاعات خود

خیلی شفاف و عیان

نیستند



می دهیم. ماده ۳ آیین نامه اجرایی تبصره ۴ ماده واحده مربوط به حسابداران رسمی، ضمانت اجرایی عدم حسابرسی را عنوان می کند که صورتهای مالی آنها برای مراجع عمومی و دولتی معتبر نبوده و به نفع آنها قابل استناد نیست. پس برای مثال، اگر شرکتی خواست از بانک وام بگیرد باید صورتهای مالی حسابرسی شده داشته باشد، ولی اگر نخواهد وام بگیرد، هیچ الزامی ندارد که حسابرسی شود و پاسخگویی عملکردش باشد.

نوع دیگر پاسخگویی کاملاً داوطلبانه است. هیچ الزامی وجود ندارد و تنها برای مقاصد انتفاعی خود بنگاه که ممکن است جنبه تبلیغاتی داشته یا حتی مقاصد غیرانتفاعی، گزارشگری عمومی کند. اما چگونه می توانیم شرکتهای کوچک و متوسط را ترغیب کنیم؟ حدود ۳۰۰ هزار اظهارنامه مالیاتی بنگاههای اقتصادی سالانه ثبت می شود، در حالی که کمتر از ۳۰ هزار شرکت حسابرسی می شوند؛ پس یک شکاف و بی میلی برای گزارشگری وجود دارد که ۹۰ درصد بنگاههای اقتصادی نمی خواهند اطلاعات در خور اتکا ارائه بدهند و پاسخگویی مشروط و اعلامی و داوطلبانه نزد مراجع مختلف داشته باشند.

تلاش اول این باید باشد که شناسایی بنگاههای اقتصادی و بخشهای غیرشفاف را افزایش دهیم. این، کار حرفه نیست ولی ما می توانیم کمک بکنیم. البته در اصلاح اخیر قانون مالیاتها تبصره ماده ۱۰۰ می گوید سازمان امور مالیاتی می تواند مالیات گروهی از مشاغل را که تا ۱۰ برابر میزان معافیت است، به صورتی که در ماهیت مانند علی الرأس است، تعیین کند که این برخلاف

✓ دکتر نظری

با توجه به شرایط و محیط اقتصادی و فرهنگی ایران، چگونه می توان ذینفعان واحدهای کوچک و متوسط را ترغیب کرد که اطلاعات مالی را دریافت یا مطالبه کنند و از آن استفاده کنند؟

✓ صفار

در مقابل پاسخگویی، پاسخ خواهی داریم. در مقوله پاسخ خواهی در کشور مشکل داریم. با کمی اغراق، در موضوع پاسخ خواهی بیشتر از موضوع پاسخگویی مشکل داریم. یعنی ذینفعان اصلی تمایل جدی به پاسخ خواهی ندارند؛ چه در مسائل مالی، چه در مسائل محیط زیستی و غیره.

✓ دکتر نظری

چگونه می توان فرهنگ پاسخ خواهی را به وجود آورد؟

✓ صفار

بیشتر فکر می کنم که قانون باید وجود داشته باشد. یعنی قانون است که می تواند این تقسیم بندی را انجام دهد و براساس این تقسیم بندی مسئولیت های خاص را تعیین کند.

✓ اسکندری

به نظر می رسد عمده شرکتهایی که در ایران حسابرسی می شوند، براساس تکلیف مجمع مورد حسابرسی قرار می گیرند و عملاً حسابرسی در بازارهای تحت نظارت (غیرداوطلبانه) صورت می پذیرد. بحث شفافیت مالی و ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده مطابق استانداردهای حسابداری و تهیه اظهارنامه مالیاتی بر مبنای آن، در سطح کلان مورد تأکید همه است. از اینرو، به منظور دسترسی به این مهم باید فرهنگ سازی صورت گیرد. دولت می تواند برای شرکتهایی که شفاف سازی مالی می کنند، مشوق های مالی لحاظ کند یا بانکها می توانند در تأمین مالی این شرکتها مزایایی را در نظر بگیرند.

✓ جمشیدی فرد

پاسخگویی را می توانیم به سه بخش تقسیم کنیم؛ یک بخش که ممکن است دارایی ها، اموال و حقوق عمومی را در اختیار داشته باشیم. در اینجا این پاسخگویی الزامی است. برای مثال، بانکها چون سپرده های مردم را در اختیار دارند، یا یک شرکت سهامی عام بورسی، مکلف به پاسخگویی هستند.

در مواردی پاسخگویی جنبه اعلامی دارد؛ یعنی برای بهره مندی از امکان عمومی به مخاطب مشخص گزارش

مسیر گزارشگری شفاف و پاسخگویی است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط نیاز به آموزش و مشاوره دارند. اگر در اقتصاد کلان، شرکت‌های کوچک و متوسط مهم به حساب می‌آیند، دولت باید برای آنها امکانات لازم را فراهم کند.

✓ دکتر نظری

در قوانین و مقررات موجود، الزام‌های زیادی برای گزارشگری و حسابرسی پیش‌بینی شده است؛ ولی به نظر نمی‌رسد مقصود از آن، تقویت پاسخگویی باشد.

✓ جمشیدی فرد

مسئله اصلی، نیاز اقتصاد به پاسخگویی است که به نظر من دولت‌ها نتوانستند آن را تنظیم و اعتماد بخش خصوصی را جلب کنند؛ در نتیجه پنهان‌کاری ترغیب شد. بسیاری از شرکت‌های بخش خصوصی به جایی رسیده‌اند که ورود به بورس اوراق بهادار و عرضه عمومی برایشان توجیه‌پذیر می‌شود، ولی یک نگرانی بزرگ دارند که به خاطر بی‌اعتمادی بین دولت و بنگاه‌ها، نکند برایشان دردسر مالیاتی درست شود. باید برای جلب اعتماد عمومی هزینه کرد و با مقررات و قوانین خشن و اتهامی به ترتیبی که در اصلاحیه قانون مالیات‌ها به‌طور برجسته مشهود است، این امر میسر نمی‌شود. قدم اول برای اعتمادسازی را باید دولت بردارد حتی اگر در وهله اول ناگزیر شود از بخشی از حقوق خود گذشت کند.

✓ دکتر رحیمیان

پاسخگویی یعنی توضیح دادن اعمالی که انجام داده‌ایم. پاسخگویی عمومی که مطرح شد یک تعریف خاص دارد. در حکومت‌های دموکراتیک و مردم‌سالار، دولت‌ها باید به مردم پاسخ بدهند، وجود نمایندگان مجلس و داشتن پارلمان، نمونه مردم‌سالار بودن کشورها است. پاسخگویی عمومی به فرایندی گفته می‌شود که دولت‌ها به مردم پاسخ می‌دهند و این فرایند از طریق پاسخگویی به نمایندگان مردم در مجلس صورت می‌گیرد. در این مورد، همواره اطلاعات مالی که به‌وسیله حسابداری تهیه و ارائه می‌شود، مبنایی برای بررسی میزان پاسخگویی است و از طریق آن می‌توان دریافت که پاسخگویی وجود دارد.

بحث افشای اطلاعات در صورت‌های مالی را داریم. افشای اطلاعات دارای دو شکل است؛ افشای اطلاعات اجباری که قوانین و مقررات حاکم بر واحدهای اقتصادی و استانداردهای حسابداری تشویق‌کننده و به‌وجودآورنده افشاهای اجباری

هستند؛ و افشای اختیاری، مانند افشای اطلاعات درباره حفظ محیط زیست، وضعیت منابع انسانی، و اینها.

اما چگونه می‌شود شرکت‌های کوچک و متوسط را تشویق کرد تا گزارشگری مالی را به‌کار گیرند؟ در دنیای فراصنعتی امروز، اطلاعات ارزشمند است. در دنیای فراصنعتی، حسابداری یعنی کمک به تصمیم‌گیری برای استفاده از منابع محدود، هدایت و کنترل مؤثر منابع مادی و اقتصادی بنگاه، نگهداری از منابع سازمانی و گزارشگری آن، تسهیل ایفای مسئولیت اجتماعی و کنترل مربوط به آن.

امروزه دنیای در حال تغییری داریم و چقدر خوب است که از حرفه حسابداری خوب استفاده کنیم. بعضی فکر می‌کنند حرفه حسابداری تنها دفترنویسی برای فرار مالیاتی است. در حالی که حسابداری عبارتست از تهیه صورتهای مالی و تجزیه و تحلیل آن. حسابداری در دنیای امروز، خدمات ارزنده‌ای را در رابطه با تهیه اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری، انجام می‌دهد. اگر بخواهیم حرفه حسابرسی و حسابداری در جایگاه واقعی قرار گیرد، باید حسابداران به این سو حرکت کنند که به شرکت‌ها و از جمله شرکت‌های کوچک و متوسط، در تأمین اطلاعات حسابداری مورد نیاز برای تصمیم‌گیری، کمک کنند؛ زیرا اطلاعات حسابداری، ورودی مدل‌های تصمیم‌گیری را تهیه می‌کند. حسابداران حرفه‌ای حدود ۸۰ نوع خدمات به شرکت‌ها عرضه می‌کنند. این موضوع باعث گسترش و به‌روز شدن خدمات حسابرسی می‌شود. باید دامنه خدمات حسابداری و حسابرسی را در جامعه گسترش بدهیم و به مدیران در تصمیم‌گیری کمک کنیم. این موضوع‌ها مورد نیاز تمام مدیران است و مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط به آن نیاز بیشتری دارند.

✓ دکتر نظری

چگونه می‌توان مدیران شرکت‌ها را تشویق کرد که از خدمات حسابداری استفاده کنند؟

✓ دکتر رحیمیان

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری روش‌های بسیار خوبی را برای آموزش استانداردها طراحی کرده و همایش‌های بسیار خوبی را نیز برگزار می‌کند. به نظر من، از طریق آموزش، می‌گذرد، تدریس در دانشگاه، درج مقاله در مجله می‌توان راجع به موضوع صحبت کرد تا شرکت‌ها از اطلاعات حسابداری بهتر



اسکندری:

به نظر می‌رسد

عمده شرکت‌هایی که

در ایران

حسابرسی می‌شوند

بر اساس تکلیف مجمع

مورد حسابرسی

قرار می‌گیرند

چارچوب نظری مشترک برخوردارند. استاندارد باید داشته باشیم که در همه شرکت‌ها قابل پیاده کردن باشد. اما در مورد شرکت‌های کوچک و متوسط باید ملاحظه‌های حاضر آنها را در نظر گرفت. بعضی از رویه‌ها ممکن است در برخی شرکت‌ها کاربرد نداشته باشد. من درک نمی‌کنم که چرا کشورها استاندارد حسابداری را برای شرکت‌های بزرگ و کوچک به طور کامل تفکیک کرده‌اند. به‌کارگیری استانداردها، تابع شرایط و قضاوت است. این دو، یک استاندارد را به استاندارد تبدیل می‌کند که مناسب شرایط موجود در هر شرکت است و قضاوتی که حسابدار دارد.

استاندارد حسابداری خیلی پیچیده نیست که بخواهیم استاندارد جداگانه برای شرکت‌های کوچک و متوسط تدوین کنیم. البته مدیریت، پاسخگویی و گزارشگری در شرکت‌های با اندازه‌های مختلف بسیار متفاوت است. به نظر من استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط با دیگر استانداردها تفاوت آنچنان معناداری ندارند. پیشنهاد من این است که در بخشی از استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی، ملاحظه‌های خاص واحدهای کوچک و متوسط مورد توجه قرار گیرد. این امر به خصوص با توجه به دشوار بودن تدوین استانداردها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، راه‌حل منطقی‌تری به نظر می‌رسد.

✓ دکتر نظری

چه کسانی در تدوین استاندارد گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط باید نقش داشته باشند؟

استفاده کنند. حسابداران هم باید کوشش کنند و به مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط آموزش دهند که از خدمات حسابداران به‌طور کامل‌تری بهره‌برداری کنند. حسابداران باید به جای دفترنویسی، به مدیران در تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی کمک کرده و مشاوره بدهند تا در برنامه‌ریزی و کنترل و به‌طور کلی مدیریت شرکت‌ها، نقش واقعی خود را داشته باشند.

✓ دکتر نظری

استاندارد حسابداری برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، با توجه به شرایط ایران، و در پاسخ به نیاز این نوع شرکت‌ها، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

✓ اسکندری

با توجه به تعدد شرکت‌های کوچک و متوسط در ایران، نیاز به تدوین استاندارد خاص برای این شرکت‌ها احساس می‌شود. استاندارد حسابداری خاص شرکت‌های کوچک و متوسط در واقع باید با توجه به قابلیت درک استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری این نوع شرکت‌ها تهیه شود تا بتواند نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده سازد. از اینرو، ارزش مربوط بودن و مفید بودن در تصمیم‌گیری برای گزارشگری مالی نسبت به هدفهای مباشرت یا نمایندگی با اهمیت‌تر تلقی می‌شود. در حال حاضر به‌کارگیری استانداردهای حسابداری و ارزش افزوده آنها برای بسیاری از واحدهای کوچک و متوسط به شکل مطلوب درک نشده و یا اینکه منافع حاصل از به‌کارگیری آن را کمتر از هزینه آن می‌بینند.

✓ صفار

درباره بحث قبلی اشاره کوتاهی بکنم. باید قانون باشد تا بعضی از آن الزام‌ها اجرایی شود؛ ولی آن جاهایی که قانون هم وضع شده باز این مشکل سر جای خودش هست. قانون را می‌شود دور زد، می‌شود جدی نگرفت.

پرسش شما درباره تشویق ذینفعان شرکت‌های کوچک و متوسط برای پاسخ‌خواهی و پاسخگویی سخت و پاسخ آن غیرممکن است؛ که چطور می‌شود تشویق کرد که مردم بیایند و پاسخگویی کنند و حسابداری داشته باشند. چیزی که در فرهنگ موجود به معنی مالیات دادن و یا مالیات اضافی دادن است.

اما در مورد استانداردها، به نظر می‌رسد استانداردهای حسابداری در مورد شرکت‌های کوچک و متوسط نباید خیلی متفاوت از استانداردهای شرکت‌های بزرگ باشد. چرا که از یک

✓ جمشیدی فرد

شاید یکی از مشکلات در تدوین مقررات، استانداردها و بسیاری از نظام‌های گسترده و عمومی این است که به‌طور معمول سناریو را یکی برای دیگران می‌نویسد. در بحث شرکت‌های کوچک و متوسط، ذینفع اصلی سرمایه‌گذار است؛ کسی که سرمایه می‌آورد. بعد از او، مدیر است که آن را به گردش می‌اندازد و فعالیت می‌کند. نماینده این اشخاص هم باید در این نوع تصمیم‌گیریه‌ها حضور داشته باشد. به‌نظر من اتاق بازرگانی می‌تواند نماینده مناسبی باشد.

به اعتقاد من استاندارد حسابداری جداگانه برای واحدهای کوچک و متوسط لازم است. من این حوزه را با عرصه فوتبال متناظر می‌دانم. مقررات و قوانین فوتبال متعارف برای زمین استاندارد و یازده بازیکن، داور و خط نگهبان و الی آخر است. ولی اگر بخواهید هندبال بازی کنید، قاعده‌اش کمی فرق می‌کند؛ زمین کوچکتر و تعداد بازیکن کمتر است. وقتی به گل کوچک می‌رسد، کسی از دست استفاده نمی‌کند و تماشاچی زیادی (یکی از ذینفعان اصلی) حضور ندارد. اگر بنا باشد که در زمین بزرگ، گل کوچک بازی کنید یا بالعکس، اصلاً یک چیز هجو و بی‌هیجانی به‌وجود می‌آید. پس باید اندازه‌ها را در نظر گرفت؛ با توجه به تعدد و حجم شرکت‌های کوچک و متوسط، ضرورت تدوین استاندارد جداگانه وجود دارد.

در بخش قبلی اشاره کردید که چه انگیزه‌هایی می‌تواند وجود داشته باشد که شرکت‌های کوچک و متوسط به گزارشگری مالی ترغیب شوند؛ اما باید این را هم گفت که چه کارهایی نباید انجام شود که این شرکت‌ها اعتمادشان جلب شود و ترغیب شوند. یکی از کارهایی که نباید انجام شود و بسیار تأثیرگذار است، رقابت خود دولت با بخش خصوصی است. به‌نظر می‌آید که بخش‌های نظارتی، بخش‌های قانونگذاری، بخش‌های مدیریت کلان کشور هم، یک سری کارهایی را نباید انجام دهند، و یک سری کارها را باید انجام دهند. آنها در درجه اول باید این درک را داشته باشند که شرکت‌های کوچک و متوسط چه نقشی می‌توانند در اقتصاد داشته باشند. این نگرش باید یکپارچه و هم‌سو باشد که در این صورت انگیزه‌هایش را هم می‌توانند فراهم کنند.

متأسفانه این درک و یکپارچگی مشاهده نمی‌شود. نمونه آن را می‌توانم در فرایند اصلاح قانون مالیات‌ها مثال بزنم. در

مرکز پژوهش‌ها به‌طور تقریبی ۶۰ جلسه بر روی قانون مالیات‌ها کار شد. ولی در کمیسیون مجلس و در قانون رفع موانع تولید، نگاهی دیگر غالب شد. به همین ترتیب می‌بینیم که یکپارچگی در سیستم بیمه، مالیات، شهرداری و صنایع وجود ندارد. در شرایطی که گاهی اوقات بازار سرمایه باید با بازار پول و بالعکس رقابت کنند، طبیعی است که موضوع شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط از اولویت می‌افتد.

✓ دکتر رحیمیان

اجازه بفرمایید حرفم را از واژه «استاندارد» شروع کنم. حسابداری و حسابرسی حرفه است. اعضای حرفه، مجامع حرفه‌ای و آیین‌رفتار حرفه‌ای دارند، استاندارد دارند، آموزش دارند. اگر اعضای حرفه، کارشان را خوب انجام ندهند، یک سری تنبیه‌های انضباطی دارند. مجموعه استانداردهای حسابداری و استانداردهای حسابرسی، مجموعه مقررات و راهکارهایی هستند که اعضای حرفه به‌کار می‌برند تا کار خود را با یک کیفیت قابل قبول ارائه کنند. آنچه را که در عمل می‌خواهیم انجام دهیم، استاندارد به ما می‌گوید چگونه عمل کنیم. اگر نمره ۲۰ نمره خوبی باشد، استاندارد نشانگر نمره ۱۴ است؛ یعنی می‌گوید از این خط قرمز پایین‌تر نیایید که از کیفیت می‌افتد و اعتبارتان را از دست می‌دهید.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، پس باید در تدوین استاندارد، اندازه شرکت، کوچک و متوسط، در نظر گرفته شود. شرکت‌های کوچک و متوسط باید گزارشگری، افشای اطلاعات و پاسخگویی مخصوص خود را داشته باشند. اگر پذیرفته‌ایم که باید برای اینها کار متفاوتی را انجام دهیم، پس باید استاندارد متفاوتی داشته باشیم. بنابراین، با توجه به ظرفیت‌های موجود، بنده اعتقاد دارم که استاندارد جداگانه‌ای می‌خواهیم. کشور ما، کشوری است که در آن واحدهای کوچک و متوسط نقش مهمی دارند. بورس اوراق بهادار هنوز حجم کوچکی دارد و سهم چشمگیری در اقتصاد کشور ندارد.

✓ دکتر نظری

به‌نظر شما، آیا نیاز است که واحدهای کوچک و متوسط حسابرسی شوند و از خدمات اطمینان‌بخشی استفاده کنند؟ برای انجام این کار، آیا نیاز است که استانداردهای حسابرسی جداگانه‌ای وجود داشته باشد؟



صفار:

مسئولیت پاسخگویی

در تمام شرکتها

وجود دارد

فقط

با درجه‌های متفاوت

قضاوت و بحث شرایط در آن مطرح شده است که بتوان آنها را برای همه نوع شرکت به کار برد. اما دستورعمل‌هایی که اجرا می‌شود کاملاً باید تجزیه و تحلیل، بررسی و متناسب با نیاز شرکت‌های کوچک و متوسط و یا حتی شرکت‌های خیلی کوچک تعدیل شود.

در واقع برنامه‌های حسابرسی باید متناسب با ویژگی‌های شرکت‌ها تعدیل شود. دستورعملی که ۱۰ سال پیش در حسابرسی داشتیم، تقریباً هر چه را که لازم بود در خود جای داده است، ولی این ویژگی خاص را دارد که در همه جای آن بحث قضاوت حسابرس پیش‌بینی شده است؛ اما اولاً کسی آن را در عمل اجرا نمی‌کند، بعد هم اجرای آن کار سختی است. یعنی وقتی که حسابرس وارد یک شرکت کوچک می‌شود، برنامه را خاص آن شرکت تهیه نمی‌کند. به نظر من، باید دستورعمل خاص برای شرکت‌های کوچک تدوین شود.

✓ اسکندری

بحث سیستم‌های کنترل داخلی در واقع یکی از بحث‌هایی است که در شرکت‌های کوچک و متوسط مطرح است. محور اصلی، همین بحث کنترل‌های داخلی است که در آن تفکر مدیریت نقش محوری دارد. ماهیت و اندازه شرکت‌های کوچک و متوسط باید به عنوان نکته محوری دیگر در طراحی روش‌های حسابرسی مدنظر قرار بگیرد. به عنوان پیشنهاد، مؤسسه‌های حسابرسی می‌توانند طبقه‌بندی کنترل‌های داخلی (ضعیف، متوسط، خوب)، تعداد کارکنان، حجم داراییها، و درآمدهای شرکت‌های تحت

✓ اسکندری

به نظر می‌رسد که ابتدا باید فضای حسابرسی مشخص شود که حسابرسی مورد درخواست در بازارهای آزاد (اختیاری) مطرح است یا در بازارهای تحت نظارت (غیرداوطلبانه)، تا ارزش افزوده حسابرسی معلوم شود. برای مثال، اگر شرکتی (کوچک و متوسط) به صورت داوطلبانه تمایل به انجام حسابرسی دارد، در واقع تشخیص داده که حسابرسی برای او ارزش افزوده دارد. طبیعی است که این فضا با زمانی که انجام حسابرسی تحت نظارت است، خیلی فرق می‌کند.

به منظور ترویج فرهنگ پاسخگویی و درک مزایای حسابرسی می‌توان برای شرکت‌های کوچک و متوسط، به جای اینکه نوع متعارف حسابرسی مالی انجام شود، یک سطح اطمینان پایین‌تر، برای مثال، بررسی اجمالی انجام گیرد. به این ترتیب، به مرور این فرهنگ برای کل شرکت‌ها حتی آن‌ها که تاکنون حسابرسی نشده‌اند، پذیرفته می‌شود. در واقع، با یک هزینه کمتر، ارزش افزوده حسابرسی معرفی و سپس متناسب با نیاز و درخواست هر شرکت به سطح اطمینان بالاتر، برنامه‌ریزی لازم انجام می‌گیرد. استانداردهای حسابرسی تفکیک خاصی برای حسابرسی شرکت‌های کوچک و متوسط و بزرگ قائل نشده‌اند؛ اما می‌توان با تعدیل روش‌های حسابرسی و با لحاظ منفعت و هزینه و با در نظر گرفتن اندازه شرکت‌ها، روش‌های بهینه حسابرسی را پیاده‌سازی و از کارهای بیهوده و موازی جلوگیری کرد. به عبارت دیگر، باید تحولی هوشمندانه در روش‌های رسیدگی شرکت‌های کوچک و متوسط به وجود آید.

✓ صفار

در مورد استانداردهای حسابرسی، همانطور که در مورد استانداردهای حسابداری اشاره کردم، استاندارد جداگانه نمی‌خواهیم. اما نحوه عمل خیلی متفاوت است. به عنوان نمونه، در برخی کارهای کوچک کاربرگ‌های حسابرسی گاه یک پنجم برنامه حسابرسی است. فرم‌های حسابرسی متعارف آن قدر زیاد است که آدم فکر می‌کند که دارد کار دیگری می‌کند نه حسابرسی و دائم مشغول پر کردن فرم‌هاست. اینها در شرکت‌های کوچک و متوسط واقعاً فاجعه است.

در مورد استانداردهای حسابرسی، لزومی نمی‌بینم که استانداردهای حسابرسی تغییر پیدا کند؛ به اندازه کافی بحث



دکتر نظری:

در قوانین و مقررات موجود

الزامهای زیادی برای

گزارشگری و حسابرسی

پیش بینی شده است

ولی به نظر نمی رسد

مقصود از آن

تقویت پاسخگویی باشد

فعالیتشان متفاوت باشد. پس می توانیم بگوییم که ترکیب ویژگیهای این نوع شرکتها یکسان نیست. چون ترکیب متنوع است پس در استانداردهای حسابرسی باید ظرفیت کامل وجود داشته باشد که حسابرس بتواند در فرایند حسابرسی از عهده هر شرکت و مختصاتی برآید.

در قیاس با دیگر کشورها که مثال زده شد، باید این تمایز را قائل شویم که در آن کشورها نظام متمرکز اطلاعاتی وجود دارد؛ در صورتی که در کشور ما هنوز به یک نظام جامع اطلاعاتی، دسترس نداریم. در آن کشورهایی که مثال می زنیم تمام سیستمهای اطلاعاتی اقتصادی و غیراقتصادی در پایگاههای اطلاعاتی خاص متمرکز است؛ در نتیجه، برای شرکتها مخاطرات رعایت نکردن الزامات خیلی زیاد است و حسابرس از این بابت با ابهام و نگرانی کمتری روبه روست.

✓ دکتر رحیمیان

در حسابرسی، شناخت سیستم کنترل داخلی بسیار اهمیت دارد. محیط کنترلی یکی از اجزای کنترل داخلی است. محیط کنترلی به نگرش و سبک مدیریت برمی گردد. به علاوه، در استقرار سیستم کنترل داخلی در شرکتها کوچک و متوسط، تفاوتی وجود دارد. در این نوع شرکت، تعداد کارکنان کم است و تفکیک وظایف ناسازگار، در عمل امکانپذیر نیست و بیشتر کنترلها به وسیله مدیرمالک انجام می شود. پس کنترل داخلی، در این

رسیدگی خود را برآورد کنند، سپس رویکردهای تعدیل شده حسابرسی را انتخاب کرده و به کار بگیرند. به نظر می رسد با انجام این کار کارایی حسابرسی به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت.

✓ دکتر نظری

از آنجا که اگر تحریف بااهمیتی در صورتهای مالی واحدهای کوچک و متوسط، وجود داشته باشد، نمی توان به سادگی آن را کشف کرد، آیا همچنان باز نیاز است که واحدهای کوچک و متوسط حسابرسی بشوند؟

✓ جمشیدی فرد

در مورد انجام حسابرسی در شرکتهای کوچک یا متوسط، باید به این تفکیک قائل شویم که آیا الزام داریم یا نه، و آن الزام برمی گردد به این که آیا شرکت حقوق عمومی را در اختیار دارد یا ندارد؛ مانند یک صرافی کوچک. آنجایی که الزامی است پس باید حسابرسی انجام شود. بخش دیگری که داوطلبانه است، برمی گردد به استراتژی شرکت کوچک و متوسط که آیا می خواهد بزرگ شود و خودش را در مجاورت بزرگان قرار دهد، و یا قصد دارد با یکی دیگر از شرکتهای کوچک و متوسط ادغام شود. پس برای این که با سازمان دیگری، غیر از خودش تعامل داشته باشد، در عمل باید به فرایند اعتباربخشی تن بدهد. در چنین مواردی حسابرسی آن لازم است. در غیر این موارد، اختیار خود شرکت است. تعدد سهامدار، یا تفکیک مدیرمالک، از متغیرهای مهم دیگر است که حسابرسی را توجیه می کند.

ولی این که آیا برای حسابرسی شرکتهای کوچک و متوسط باید استانداردهای حسابرسی اختصاصی وجود داشته باشد، موافق نیستیم. ولی می توانیم اجرای عملیات حسابرسی و فرایند حسابرسی را متناسب با وضعیت صاحبکار طراحی بکنیم. پس در مرحله برنامه ریزی حسابرسی یک شرکت، از ظرفیتهای کل استانداردهای حسابرسی استفاده می کنیم، اما آن را قواره تن شرکت مورد نظر طراحی می کنیم. ممکن است روشهای حسابرسی، بسته به اندازه شرکت، وزن متفاوتی داشته باشد، ولی تمام روشهای حسابرسی باید در نظر گرفته شود.

نکته دیگری که نشان می دهد نمی توانیم استاندارد اختصاصی داشته باشیم، این است که گفتیم که بنگاههای کوچک و متوسط انعطاف دارند، سیستم هایشان در بسیاری وقتها قائم به شخص است و گفتیم که اینها ممکن است که تک مالکی باشند و تداوم

وابسته باشد.

۴- طبقه‌بندی موضوع شرکت‌ها به لحاظ اندازه، تعداد کارکنان و پاسخگویی عمومی در سطح هر مؤسسه می‌تواند انجام شود و برخی روشهای فعلی حسابرسی مورد بازنگری قرار بگیرد.

۵- نوع و زمانبندی روش‌های حسابرسی شرکت‌های کوچک و متوسط با شرکت‌های بزرگ متفاوت است. این مهم باید به درستی درک شود.

۶- مدیر در طراحی اولیه کار به لحاظ نوع رویکرد حسابرسی درست ورود کند و کلیه قضاوت‌ها را مستند نماید.

۷- فرم‌های ارزیابی کنترل‌ها، محیط کنترلی به منظور شرکت‌های کوچک و متوسط طراحی مجدد شود.

۸- استفاده از تکنیک‌های هوشمندانه بررسی تحلیلی می‌تواند تا حدود زیادی حجم کار را کاهش دهد.

✓ جمشیدی فرد

من اینجا بر بحث ضرورت شناسایی شرکت‌های کوچک و متوسط دوباره تأکید می‌کنم. مجموعه نظام اقتصادی بزرگترین انتفاع از این شناسایی را خواهد برد و باید با یک اراده جدی انجام شود. در عین حال، در شرایط موجود که بحث‌های بین‌المللی شدن و بعد ورود سرمایه‌گذاری خارجی مطرح است، مخاطره‌هایی برای شرکت‌های کوچک و متوسط وجود دارد که شاید کمتر به آن توجه شده است.

عمده مؤسسه‌های حسابرسی در ایران کوچک هستند. در حرفه حسابداری هم مؤسسه‌های کوچک باید استراتژی خودشان را تعریف کنند. اکنون زمانی است که باید فکر شود که آیا تعداد مؤسسه‌های موجود لازم است یا نه و بعد استراتژی بقیایشان به چه تریبی است. اگر بناست بزرگ شوند، ادغام یکی از راه‌هاست. ادغام و بحث‌های توسعه‌ای هم برای مؤسسه‌ها باید خیلی تدریجی و حساب‌شده باشد. نقطه قوتی که در اصلاحیه قانون مالیات‌ها می‌بینم، ماده ۲۷۲ جدید به نظر من یک فرصت و شرایط بهتری نسبت به گذشته فراهم کرده است؛ یکی این که ریسک حسابرسی مالیاتی کم شده، و دیگر این که مقرر شده است که همراه اظهارنامه، صورت‌های مالی حسابرسی شده هم ارسال شود.

✓ دکتر نظری

امیدوارم دیدگاه‌های شما مورد توجه خوانندگان مجله قرار گرفته و با استقبال آنها رو به رو شود. بار دیگر از حضورتان در این میزگرد سپاسگزاری می‌کنم.



نوع شرکت‌ها هم وجود دارد ولی سازوکار آن فرق می‌کند.

بحث دیگر، قضاوت حرفه‌ای است. استانداردهای حسابرسی تا زمانی که صورت مسئله مشخص باشد، تکلیف را برای حسابرس مشخص می‌کند. اما خیلی جاها هست که سناریو وجود دارد و در این موارد استانداردهای حسابرسی به سناریوها جواب نمی‌دهد. از معروف‌ترین مشکلاتی که به صورت سناریو است، روش‌های حسابرسی است. حسابرس در مؤسسه اعتباری، یک سری روش‌ها را باید انجام دهد، در بانک، یک سری دیگر. انتخاب روش‌های حسابرسی براساس قضاوت حرفه‌ای صورت می‌گیرد. چرا قضاوت حرفه‌ای اینقدر مهم است؟ چون اگر روش‌های حسابرسی انتخاب شده غلط باشد، احتمال کشف نشدن تحریف‌ها بالا می‌رود و ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. برای واحدهای کوچک و متوسط، نیازی به تدوین استانداردهای حسابرسی جداگانه نیست بلکه در اجرای عملیات حسابرسی، موضوع‌هایی مانند قضاوت حرفه‌ای و سیستم کنترل داخلی مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.

✓ اسکندری

به نظر می‌رسد با تعدیل روش‌های حسابرسی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، بتوان حسابرسی اثربخش‌تر و کاراتری انجام داد. تعدادی از این روش‌ها در بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند به شرح ذیل باشد:

۱- درک و اعتقاد به اینکه حسابرسی بنگاه‌های کوچک و متوسط با شرکت‌های بزرگ متفاوت است و نیاز به روش‌های تعدیل شده دارد و آموزش حسابرسان تمامی رده‌ها و تشویق همکاران که پیشنهادهایی جهت تعدیل روش‌های رسیدگی با لحاظ فضای بنگاه‌های کوچک و متوسط بدهند.

۲- بهتر است که سطح خاصی از کنترل‌ها به لحاظ تعیین رویکرد حسابرسی در سطح هر مؤسسه برای شرکت‌ها تدوین شود، به خصوص برای شرکت‌های کوچک و متوسط که باید تنها به کنترل‌های فراگیر آن توجه ویژه شود (با توجه به اندازه شرکت)، یا برای این نوع شرکت‌ها ضرایب وزنی خاصی در نظر بگیرند؛ در واقع چک‌لیست‌های جدیدتری ارائه شود (مختص بنگاه‌های کوچک و متوسط).

۳- در شرکت‌های کوچک و متوسط حسابرس باید دقت کند و هوشمندانه به رسیدگی‌ها ورود کند؛ مثلاً در این شرکت‌ها، حوزه‌های خطر می‌تواند شامل برآوردهای مدیریت و معامله‌ها با اشخاص